

چرا باید تجاوز روسیه را محکوم کرد؟

اسماعیل گرامی مقدم

زمانی که نام «تجاوز» و «اشغال» به میان می‌آید، شاید هیچ کشوری به اندازه ایران و هیچ ملتی مانند ایرانیان، درک نکنند که معنی و مفهوم تجاوز و اشغال چیست و چه خیمه‌های عمیقی بر روح و روان نسل‌های مختلف یک سرزمین به جای می‌گذارد. مهدی اخوان ثالث این حافظه تاریخی را اینگونه تصویرسازی می‌کند و می‌گوید: «ما فاتحان شهرهای رفته بر بادیم/ با صدایی ناتوان‌تر زانکه بیرون آید از سینه/ ما راویان قصه‌های رفته از یادیم/» از گذشته‌های دور تا به امروز، ایران با توجه به ویژگی‌های اقلیمی، تجاری، سرزمینی و... در چهارراه مهم‌ترین حوادث تاریخ قرار داشته و متاثر از این ویژگی‌ها، همواره در تیررس حملات، تجاوزگری‌ها و مطامع اشغالگران قرار داشته است. از زمان حمله مغول به ایران در قرون ماضی تا شهریورماه 1320 خورشیدی در دوران معاصر که ایران در عین بیطرفی از سوی متفقین اشغال شد، روح و روان این ملت با نفرت و انزجار از اشغالگری عین شده است. مبتنی بر این تاریخچه است که با حمله روسیه به کشور مستقل اوکراین، بار دیگر یکی از زخم‌های مهم تاریخ معاصر کشورمان سر باز کرد و ناخودآگاه جمع بسیاری از ایرانیان خاطرات تلخی که از جنگ تحمیلی 8 ساله با عراق شکل گرفته بود را دوباره مرور کردند. ایرانیان روز و روزگاری را به یاد آوردند که کشور متجاوز عراق، تلاش برای اشغال پایتخت کشوری مستقل را ظرف 3 روز برنامه‌ریزی کرده بود تا به زعم خود، هویت ایرانیان را یکسره از تاریخ حذف کند. اما در آن برهه نیز ا فشار گوناگون از جمله جوانان و نوجوانان، راهی پایگاه‌های بسیج شدند تا از کشور و انقلاب خود در برابر یک ارتش متجاوز و تا بن دندان مسلح دفاع کنند. خاطراتی که نگارنده این سطور از نزدیک بخشی از آنها را تجربه کرده بود و با ابعاد مختلف آن آشنا شد. واقع آن است که انتهای هر مقاومت شرافتمندانه‌ای حتی اگر در ظاهر و در صحنه نبرد، فتح‌الفتوحی حاصل نشده باشد، پیروزی است. ایران به عنوان کشوری که حس تلخ تجاوز را تجربه کرده است، هر زمان که با اخبار تجاوز در

پهنه عالم مواجهه میشود به یاد جنگ و تبعات دهشتناک آن میافتد و در ناخودآگاه خود با کشوری که مقاومت را برگزیده است، احساس همدردی میکند. بر اساس منافع ملی ایران، دلایل بسیاری وجود دارد که ایران در عین بیطرفی، میبایست تجاوز و اشغالگری روسیه علیه اوکراین را محکوم کند. در جریان این یادداشت تلاش میکنم به بخشی از این ضرورتها اشاره کنم.

نخست) ایران 42 سال قبل مورد تجاوز قرار گرفته و با خسارتهای فراوانی مواجه شد.

8سال اتلاف منابع صورت گرفت، منافع ملی مردم به مخاطره افتاد و ملت هزینههای مادی و معنوی فراوانی را متحمل شدند. جدا از هزینههای مادی که بر اساس برآوردها، هزاران میلیارد دلار را شامل میشود، ایران در طول 8سال جنگ، بخشی از مستعدترین، ارزشمندترین و کارآمدترین فرزندان خود را از دست داد. جوانانی که هرگز نمیتوان جایگزینی برای آنها پیدا کرد. بنابراین تجاوز روسیه به اوکراین بخشی از ظرفیتهای رشد ملت اوکراین را از میان برده است و باید محکوم شود.

دوم) ایران سالهاست که در کنار ملت فلسطین ایستاده و عملاً از تجاوز رژیم صهیونیستی بیزاری میجوید. برای این منظور بخشی از مهمترین منابع کشور بسیج شدهاند تا از ملت مظلوم فلسطین در برابر رژیم متجاوز دفاع کنند. اینکه ایران از رژیم اشغالگری چون اسراییل، بیزاری میجوید و حاضر به پذیرش آن نیست، برآمده از درکی است که ایرانیان از مفهوم تجاوزگری در ذهن دارند. نباید فراموش کرد، دلیل حمایت ایران از یمن، نیز ناشی از تجاوز سعودیها به این کشور است. طبیعی است که در مواجهه با مفهوم تجاوز نمیتوان برخورد دوگانه داشت و باید تجاوز روسیه به اوکراین نیز محکوم شود.

سوم) مرز مشترک ایران با روسیه، مساله مهم بعدی است. سابقه تاریخی مناسبات ارتباطی ایران با روسیه نشان میدهد که روسیه در 2مرحله به ایران تجاوز کرده و در قالب قراردادهای ننگین ترکمانچای و گلستان، بخش قابل توجهی از مناطق ایران را از سرزمین اصلی جدا کرده است. این رویکرد روسیه باید زنگهای خطر را برای مسوولان ایرانی به صدا درآورده و ضرورت محکومیت این تجاوز را برای آنها یادآور شود.

چهارم) روسیه از جامعه جهانی فاصله گرفته و جامعه جهانی در ابعاد گوناگون این اشغالگری را محکوم کرده است. ایران نیز که همواره تلاش کرده تا از ملتهای مظلوم در برابر ظالمان دفاع کند باید همراه با جامعه جهانی در راستای استیفای منافع آینده خود تلاش

کند. به هر حال ایران پس از توافق احتمالی نیازمند همکاری با جامعه بین‌الملل است. هرگونه اشتباه در این زمینه می‌تواند بخشی از منافع ملی ایران را در افق پیش‌رو با اخلاف مواجه سازد.

پنجم) دلیل بعدی ضرورت محکومیت این تجاوز، استقلال‌طلبی ملت ایران است. یکی از اصول اساسی انقلاب مردم ایران در سال 57 مرتبط با بحث استقلال‌طلبی (در کنار آزادی و جمهوری اسلامی) است. هویت ایرانیان به‌طور بنیادین به استقلال‌طلبی گره خورده است. زمانی که استقلال یک کشور مستقل با تجاوز مواجه شود، طبیعی است که ایران باید طرف اشغالگر را محکوم کند. کشوری که یک بار با تکیه بر توانایی نظامی خود دست به اشغالگری می‌زند، طبیعی است که ممکن است این تجربه را در خصوص هر کشور دیگری تکرار کند. در این شرایط که پرونده هسته‌ای ما در شرایط پیچیده‌ای قرار دارد، بهترین زمان است که ایران با محکومیت این تجاوز، چهره واقعی خود را برای افکار عمومی جهانی ارایه کند.

البته در کنار این واقعیت‌ها، ماجرای تجاوز روسیه به اوکراین برای نظام بین‌الملل نیز واجد پیام‌هایی است که باید از سوی قدرت‌های جهانی جدی گرفته شود. تحولات اخیر بیانگر آن است که دوران تک‌قطبی در نظام بین‌الملل پایان یافته است. قدرت‌های جهانی باید بدانند که یا همه جهانیان در کنار هم امنیت را تجربه می‌کنند یا اینکه هیچ کشوری امنیت نخواهد داشت. از یک طرف روسیه با تکیه بر قدرت نظامی خود و از سوی دیگر کشوری مانند چین با ویژگی‌های راهبردی و اقتصادی از خاکستر دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سر برآورده‌اند. در کنار این کشورها، ژاپن، اتحادیه اروپا و... نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارند و مطالبات آنها باید از سوی قدرت‌های جهانی، جدی گرفته شود. هرگونه سرکوب مطالبات سایر قدرت‌های نوظهور، جهان را وارد دایره مشکلاتی خواهد کرد که پیش از این در زمان قبل از جنگ جهانی دوم در خصوص کشورهایمانند آلمان و ژاپن تجربه شده بود و نهایتاً باعث شکل‌گیری جنگ جهانی دوم شد. روز و روزگاری که شهرهای بسیاری بر باد رفتند و قصه‌های بسیاری از یاد رفتند تا هنگامه‌ای دیگر و نسلی نو ...

منبع: روزنامه اعتماد 11 اسفند 1400 خورشیدی